

اخلاق در جهاد از دیدگاه امام علی علیه السلام

منصور پهلوان^۱

فرهاد احمدی آشتیانی^۲

چکیده

امروزه بعضی از گروه‌ها و دولت‌ها به نام جهاد اسلامی، مرتکب اعمال غیرانسانی می‌شوند که باعث شده اسلام به عنوان دینی شناخته شود که در مواجهه با دشمن، رعایت هیچ یک از اصول اخلاقی را لازم نمی‌داند. این مقاله با بررسی سیره امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ‌ها، اهتمام بر رعایت اصول اخلاقی در برابر دشمن و تنافر تعالیم اسلام با چهره ضد اخلاقی‌ای که رفتار بعضی از این گروه‌ها از اسلام ترسیم می‌کند، آشکار می‌سازد. بر اساس این بررسی، مقدم شمردن صلح بر جنگ، پرهیز از آغاز کردن جنگ در میدان نبرد، رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از پیمان شکنی، ممنوعیت جنگ با غیر جنگ‌جویان و عدم تعرض به اموال ایشان، دفاع از هم‌زمان، دعا و خیرخواهی برای دشمن، پرهیز از دشنام دادن به دشمن، نکوهیده بودن فرار از مقابل دشمن، ممنوعیت کشتار جمعی، پرهیز از آسیب زدن به درختان و حیوانات، حفظ عمران و آبادی‌ها، منع تعقیب کردن فراریان و کشتن مجروحان و رفتار نیک با اسیران در دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام از اخلاق جهاد شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی:

امام علی علیه السلام، معصومان، سیره، جهاد

۱. استاد دانشگاه تهران pahlavan@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

مقدمه

واژه جهاد به معنای به کار گرفتن نهایت سعی و تلاش برای رسیدن به هدف دانسته شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۲۸/۲) و در معنای خاص خود به معنای جنگ با دشمن به کار رفته است؛ «الجهاد محاربة الأعداء» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳۵/۳). جهاد به معنای اخیر خود یکی از فروع ده‌گانه دین اسلام است که از سوی خداوند اصولی برای آن وضع گردیده است. بخشی از تعالیم اسلام پیرامون جهاد، در ارتباط با رعایت اصول و قواعد اخلاقی در جهاد است که در قرآن و سیره معصومان علیهم السلام نمایان شده است. قرآن کریم حتی در صحنه جهاد که محل رویارویی با دشمن است، مجاهدان را به پیروی از اصول اخلاقی امر می‌کند و تجاوز از حدود اخلاقی را جایز نمی‌داند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا»^۱. همچنین خداوند مومنان را امر به رفتار بر اساس عدالت با دشمنان می‌کند و به مومنان سفارش می‌کند که دشمنی گروهی با شما باعث نشود که از مدار عدالت خارج شوید.^۲

این در حالی است که بعضی از گروه‌ها و دولت‌ها به نام جهاد اسلامی، مرتکب اعمال ضد انسانی و ضد اخلاقی می‌شوند که با اصول اخلاقی‌ای که در ارتباط با جهاد در دین اسلام مورد تاکید قرار گرفته در تضاد بوده و باعث شده تا چهره اسلام به مثابه دینی شناخته شود که در مواجهه با دشمن رعایت هیچ یک از اصول اخلاقی را لازم نمی‌داند. در چنین شرایطی ترسیم چهره حقیقی اسلام به عنوان دینی که اساس آن بر به کمال رساندن مکارم اخلاقی است؛ «بعثت لأتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۲۱۰) و در آن رعایت اصول اخلاقی حتی در برابر دشمن در جبهه جنگ مورد تاکید قرار گرفته، ضروری به نظر می‌رسد.

مقاله حاضر در صدد آن است تا با طرح مصادیق متعددی از سیره امیرمومنان علیه السلام مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم در جهاد اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. از آن جا که ایشان در بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام در کنار پیامبر به جهاد با کفار و مشرکین پرداخته‌اند و همچنین در بیشتر مدت خلافت خویش ناگزیر از جهاد در مقابل گروه‌های مختلفی از جامعه مسلمانان بوده‌اند، بررسی سیره ایشان، طریقی مناسب برای دست یابی به اصول اخلاقی مورد نظر خداوند در جهاد با دشمنان است. در این نوشتار گر چه بیشتر به سیره امام علی علیه السلام

۱. وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره/۱۹۰)

۲. وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (مائده/۸)

استناد داده شده است اما از آن جا که معصومان نور واحد هستند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۹۳) و همچنین برخی از فرمایش‌های امام علی علیه السلام در کلام سایر معصومان تبیین شده است، از آن بیانات نیز استفاده شده است.

(۱) مقدم شمردن صلح بر جنگ

قرآن کریم صلح و رفتار مسالمت آمیز را بر جنگ مقدم شمرده است؛ خداوند آن جا که از مومنان می‌خواهد تا برای ترساندن دشمنان هر چه در توان دارند آماده کنند، دستور می‌دهد که اگر دشمنان به صلح گراییدند شما نیز به صلح بگرایید.^۱

صلح‌جویی با دشمنان و اجتناب از در گرفتن جنگ تا حد امکان، در کلام امام علی علیه السلام نیز مورد اشاره قرار گرفته است. ایشان صلح با دشمنان را آسان‌تر از تلاش بر غلبه بر آن‌ها در میدان جنگ می‌دانند:

«الْإِسْتِصْلَاحُ لِلْأَعْدَاءِ بِحُسْنِ الْمَقَالِ وَ جَمِيلِ الْأَفْعَالِ أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ وَ مُغَالَبَتِهِمْ بِمَضِيضِ الْقِتَالِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۳۴)

«صلح‌جویی با دشمنان با گفتار نیکو و رفتار زیبا آسانتر است از بهم رسیدن به ایشان و غالب شدن بر ایشان با شدت و سختی جنگ.»

در سیره امیرمومنان علیه السلام جنگ تنها در شرایطی که گریزی از آن نباشد و ادامه صلح باعث ضعف اسلام گردد، مجاز شمرده شده است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ مَا لَمْ يَكُنْ وَهْنٌ فِي الْإِسْلَامِ أَنْجَعُ مِنَ الْقِتَالِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۳۱)

«صلح را تاجایی که باعث ضعف و سستی در اسلام نشود سودمندتر از جنگ یافتم.»

و نیز خطاب به مالک اشتر فرمود:

«وَلَا تَدْفَعَنَّ صُلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لَلَّهِ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِجُنُودِكَ

۱. وَ أَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (انفال/ ۶۰)

۲. وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال/ ۶۱)

وَ رَاحَةً مِّنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِّبِلَادِكَ وَ لَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِّنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ
صُلْحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ فَيُخَذُ بِالْحَزْمِ وَ أَتَهُمْ فِي ذَلِكَ حُسْنُ الظَّنِّ»
(شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۴۲)

«هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمنت را که خوشنودی خدا در آن است رد
مکن، که آسایش رزمندگان، و آرامش فکری تو، و امنیت کشور در صلح تأمین
می‌گردد. لکن زنها را! زنها را! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی
دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند، پس دور اندیش باش، و خوشبینی را در
این امر متهم کن.»

۲) پرهیز از آغاز کردن جنگ در میدان نبرد

امیرمومنان علیه السلام آن جا که تلاش‌های انجام شده برای اجتناب از درگرفتن جنگ به نتیجه
نرسیده و رویارویی با دشمن اجتناب ناپذیر می‌نمود، به آماده سازی و بسیج نیروها اقدام
می‌کردند. اما هیچ‌گاه در میدان نبرد شروع کننده جنگ نبودند. ایشان در جنگ جمل در
حالی که در برابر ناکثین صبر کردند و آغاز به جنگ نکردند، یکی از اصحاب خود را با قرآن
به سوی سپاهیان دشمن فرستادند و ایشان را دعوت به دست کشیدن از جنگ کردند. اما
سپاهیان دشمن فرستاده امام علی علیه السلام را کشتند و بعد از آن بود که ایشان راضی به جنگ با
ناکثین شد. (طبری، ۱۳۷۸: ۵۱۳/۴)

منقری در کتاب وقعه صفین از جندب بن حجیر نقل می‌کند که امام علی علیه السلام هر گاه با
دشمن روبرو می‌شدند، سپاهیان خود را سفارش می‌کردند که:

«لا تقاتلوا القوم حتی یبدهوکم فإنکم بحمد الله علی حجة و ترککم إیاهم حتی
یبدهوکم حجة آخری لکم علیهم.» (منقری، ۱۴۰۴: ۲۰۳)
«با آنان مجنگید، تا شروع به جنگ با شما کنند. چرا که - سپاس خدا را - حجت
با شماست، و رها کردنشان تا آن‌که با شما دست به پیکار گشایند حجتی دیگر
برای شما بر آنهاست.»

گزارش زیر که از حذیفه بن یمان نقل شده، به خوبی نمایان‌گر این اصل اخلاقی در سیره

امیر مومنان علیه السلام است:

«فلما كان يوم الجمل وبرز الناس بعضهم لبعض نادى نادى أمير المؤمنين عليه السلام لا يبدآن أحد منكم بقتال حتى آمركم. فرموا فينا. فقلنا يا أمير المؤمنين قد رمينا فقال كفوا ثم رمونا فقتلوا منا قلنا يا أمير المؤمنين قد قتلونا فقال احمولوا على بركة الله.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۶/۳۲)

«چون روز جنگ جمل فرا رسید و مردم به کارزار پرداختند، منادی امیرالمؤمنین علیه السلام صدا زد: هیچ یک از شما شروع به جنگ نکند تا من به شما فرمان دهم. دشمن به طرف ما تیراندازی کرد. ما گفتیم: ای امیر مؤمنان ما را هدف تیر ساخته‌اند. فرمود: دست نگه دارید. دوباره به ما تیر اندازی کردند و تنی چند از ما را کشتند. عرض کردیم: ای امیر مؤمنان ما را کشتند، پس حضرت فرمود: با امید به برکت خدا حمله برید.»

همچنین بنا بر نقل شیخ مفید، هنگامی که حر بن یزید راه را بر کاروان امام حسین علیه السلام بست و هر لحظه بر شمار لشکریان او اضافه می‌شد، زهیر بن قین، از اصحاب امام حسین علیه السلام، پیشنهاد شروع کردن جنگ را مطرح می‌کند. با این استدلال که اگر بر شمار لشکریان دشمن افزوده شود، دیگر پیروزی بر ایشان ممکن نخواهد بود. اما امام حسین علیه السلام، آغاز کردن جنگ را نپذیرفتند. (مفید، ۱۴۱۳: ۸۴/۲) همچنین ایشان درخواست مسلم بن عوسجه را برای کشتن شمر بن ذی الجوشن در حالی که در تیررس او بود و زبان به دشنام دادن باز کرده بود با توجه به همین اصل رد کردند. (مفید، ۱۴۱۳: ۹۶/۲)

۳) رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از پیمان شکنی

بررسی سیره امیرالمؤمنین علیه السلام نشان دهنده اهتمام ایشان جهت به حداقل رساندن خشونت و رعایت همه جانبه اخلاق در صحنه نبرد است. به طور کلی مواجهه با دشمن از راهی که خلاف مروت و جوانمردی باشد جایز نیست. ایشان جنگ را به ساعات پایانی روز موکول می‌کردند تا با نزدیک بودن تاریکی شب سربازان کم‌تری از دشمن کشته شوند. (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۶۰۳/۲)

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه ضمن اشاره به رفتار معاویه به ناپسند بودن

غدر اشاره کرده و آن را گناهی بزرگ برشمرده که مرتکب آن کافر است:

«والله، ما معاوية بادهي مني ولكنه يَعدُّ و يفجِّر، و لولا كراهية الغدر لكنت من ادهي الناس، ولكن كلُّ غدره فجرة، و كلُّ فجرة كفر، و لكلِّ غادر لواءٌ يُعرف به يومَ القيامة.» (شريف رضى، ۳۱۸: ۱۴۱۴)

«به خداوند سوگند، معاویه زیرک‌تر از من نیست، لیکن شیوه او پیمان شکنی و گنه‌کاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است، روز رستاخیز در دست هر حیله‌گری پرچمی است که با آن شناخته می‌شود.»

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«لا ينبغي للمسلمين أن يعدروا و لا يأمرُوا بالعدر و لا يقاتلوا مع الذين غدروا.» (حرعالملى، ۱۴۰۹: ۶۹/۱۵)

«شایسته نیست که مسلمانان عهد شکنی کنند و به عهد شکنی فرمان دهند و همراه عهدشکنان جنگ کنند.»

سیره امام علی علیه السلام در جنگ صفین نیز نشان دهنده پایبندی ایشان به اصول اخلاقی در قبال دشمن است؛ وقتی لشکریان معاویه شریعه فرات را بر روی یاران حضرت بستند، سپاهیان امیرالمؤمنین علیه السلام پس از ایراد خطبه ایشان شجاعانه جنگیدند و شریعه را از دست دشمن باز پس گرفتند. یکی از همراهان حضرت پیشنهاد مقابله به مثل داد که ما نیز آب را بر آنها ببندیم، اما ایشان پیشنهاد او را علیرغم این که دشمن در مورد آنها روا داشته بود، نپذیرفت. (منقری، ۱۴۰۴: ۲۲۱)

۴) منع تعرض به اموال غیر جنگ‌جویان

منع تعرض و اضرار به اموال غیر جنگ‌جویان و رعایت حقوق ایشان در سیره اهل بیت علیهم السلام مورد سفارش قرار گرفته است. بر اساس این سیره، سپاهیان اسلام از آزار مردم و تصاحب و اضرار به اموال ایشان بدون رضایت مالکان آن جزء در مواقع اضطراری و برای حفظ جان منع شده‌اند. پیامبر (ص) در جنگ تبوک نظامیان را از اردو زدن در زمین‌های

زراعی مردم نهی کردند. (الصالحی الشامی، ۱۴۱۴: ۵/۴۴۶) در سیره امام علی علیه السلام نیز این موضوع مورد تاکید قرار گرفته است. ایشان سپاهیان خود را از آزار مردم و اضرار به اموال ایشان نهی می کردند. (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۴۹)

ایشان در نامه‌ای به جاریه بن قدامه هنگامی که او را به جنگ با بسر بن ابی ارقطاه گسیل کردند، او را از غضب کردن چهارپایان و دست اندازی به آب‌های مردم بر حذر داشته‌اند:

«سر علی برکة الله حتی تلقی عدوک، و لا تحتقرن من خلق الله أحدا، و لا تسخرن بعیرا و لا حمارا و ان ترجلت و حفیت، و لا تستأثرن علی أهل المیاه بمیاهم، و لا تشرین من میاهم إلا بطیب أنفسهم.» (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۶۲۸)

«به امید برکت خداوند رهسپار شو تا به دشمنت برسی، هیچ یک از آفریده‌های خدا را کوچک بشمار، هیچ شتر و چهارپایی را غضب مکن اگر چه برهنه پا و پیاده حرکت کنی، آب‌های مردم را متعلق به خود مکن و جز با رضایت خاطر آن‌ها از آب منوش.»

همچنین ایشان در سفارش به لشکریان خود در جنگ صفین آن‌ها را از به غنیمت گرفتن اموال مردم به جز ادوات جنگی منع کردند. (منقری، ۱۴۰۴: ۲۰۴)

۵) دفاع از هم‌زمان

توصیه امام علی علیه السلام به سپاهیان این است که در صحنه جهاد یکی از هم‌زمان خود را مشاهده کردند که در برابر دشمن دچار ضعف و ناتوانی شده، او را نجات دهند:

«إذا لقیتم عدوکم فی الحرب... و إذا رأیتم من إخوانکم المجروح و من قد نکل به أو من قد طمع عدوکم فیہ ففوه بأنفسکم.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۲)

«هنگامی که با دشمن مواجه شدید... و هنگامی که یکی از برادراتان را دیدید که مجروح شده و دچار ضعف و ناتوانی شده است یا دشمنان طمع به [نابودی] او بسته است، از او محافظت کنید.»

این روایت نوع نگرش فرد مسلمان به هم‌زمان خود را که یکی از مبانی اخلاق در جهاد است، تبیین می کند. دفاع از هم‌زمان در صحنه سخت کارزار که خطر از دادن جان نیز

وجود دارد بر پایه نگرش دین به اخوت و برادری بین هم‌زمان ارزش پیدا می‌کند.

۶) دعا و خیرخواهی برای دشمن

واکاوی سیره اهل بیت علیهم السلام نمایان‌گر آن است که تلاش بر نجات و هدایت انسان‌ها نقشی محوری در سیره ایشان دارد. تا آن‌جا که خداوند رسول خود را در قرآن کریم «حریص» بر هدایت مومنان توصیف کرده است.^۱ بر این اساس هنگام رویارویی در جبهه جنگ نیز هدایت دشمن به سوی رستگاری و تلاش بر ممانعت از درگرفتن جنگ جزء سیره اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

این دیدگاه در سیره امیرالمومنین علیه السلام نیز دیده می‌شود. ایشان از حجر بن عدی و عمرو بن الحمق که زبان به لعن دشمن باز کرده بودند، می‌خواهند که برای حفظ جان دشمن، نجات آن‌ها از گمراهی و ایجاد صلح بین آن‌ها دعا کنند:

«و لو قلتهم مکان لعنکم إیاهم و براءتکم منهم اللهم احقن دماءهم و دماءنا و أصلح ذات بینهم و بیننا و اهدهم من ضلالتهم حتی يعرف الحق منهم من جهله و یرعوی عن الغی و العدوان منهم من لهج به لکان أحب إلی و خیرا لکم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲/ ۳۹۹)

«اگر به جای لعن کردن ایشان [اهل شام] و بیزاری جستن از آن‌ها اینگونه دعا کنید که خدا یا! خون ما و آن‌ها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند، و آنان که با حق می‌ستیزند پشیمان شده به حق باز گردند، برای من خوشایندتر و برای شما بهتر است.»

مؤلف کتاب وسائل الشیعه، در باب «وجوب دعوت به اسلام قبل از شروع جنگ» روایتی را نقل می‌کند که به خوبی این سیره را نمایان می‌کند:

«قال أمیر المؤمنین ع: بعثنی رسول الله ص إلی الیمن فقال یا علی لا تقاتلن أحدا حتی تدعوه إلی الإسلام و ایم الله لأن یهدی الله عز و جل علی یدیک رجلا خیر

۱. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (توبه/ ۱۲۸)

لك مما طلعت عليه الشمس و غربت.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۳/۱۵)
 «امام علی علیه السلام فرمودند: رسول الله (ص) مرا به سوی یمن فرستادند و فرمودند: ای
 علی! هرگز با کسی پیش از آن که او را به اسلام دعوت کنی جنگ مکن. به
 خداوند سوگند! اگر خداوند توسط تو شخصی را هدایت کند برایت بهتر است
 از آن چه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است.»

در جنگ احد در حالی که رسول الله (ص) آسیب دیده بودند، به ایشان پیشنهاد شد
 که دشمن را نفرین کنند. اما ایشان در حالی که صورتشان زخمی شده بود، دست به دعا
 برداشتند و فرمودند: «خدایا! قوم مرا هدایت کن! زیرا آنها نادان هستند.» (علامه حلی، ۱۹۸۲:
 ۳۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۷/۹۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۸۳)

۷) پرهیز از دشنام دادن به دشمن

دین اسلام مسلمانان را از دشنام دادن منع کرده است. پیامبر اکرم (ص) تاکید می کند
 که اهل شرک را دشنام ندهید: «لا تسبوا أهل الشرك» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۸۰/۱۵) ایشان در
 وصیتی می فرمایند: «مردمان را دشنام مده تا دشمنی ایشان را فراهم نکنی، ایشان را دوست
 داشته باش تا تو را دوست داشته باشند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۷۴) امام سجاد علیه السلام در دعایی
 از خداوند می خواهند تا هر ناسزا یا سخن ناروا یا دشنامی که شیطان بر زبانشان قرار می دهد
 به حمد خداوند بدل فرماید. (امام زین العابدین، ۱۳۷۵: ۹۶)

در دیدگاه امیر مومنان علیه السلام دشنام دادن تا آنجا ناپسند دانسته شده است که ایشان حتی در
 جنگ نیز از دشنام دادن به دشمن نهی کرده اند. ایشان در جنگ صفین هنگامی که شنیدند
 یاران شان شامیان را دشنام می دهند، فرمودند: «إني أكره لكم أن تكونوا سبابين» (شریف رضی،
 ۱۴۱۴: ۳۲۳) «من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید.»

همچنین هنگامی که ایشان مطلع شدند دو نفر از یاران اقدام به دشنام دادن به دشمنان
 کرده اند، به سرعت آنها را فراخواندند و از این امر جلوگیری کردند. (منقری، ۱۴۰۴: ۱۰۳)

۸) نکوهیده بودن فرار از مقابل دشمن

یکی از آموزه های اخلاقی جهاد، شجاعت در برابر دشمن و پرهیز از فرار است. در روایات

معصومان علیهم السلام فرار از دشمن در صحنه کارزار مورد نکوهش قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام پشت کردن به دشمن در جبهه جنگ را از مصادیق گناهان کبیره مطرح شده در آیه ۳۱ سوره نساء^۱ دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۶/۴۷) امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مردم مصر، در توصیف و مدح مالک اشتر - که او را به فرمانداری مصر برگزیده بودند- او را بنده‌ای از بندگان خدا دانستند که در لحظه‌های ترس از دشمن روی بر نمی‌گرداند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹۵/۳۳)

ایشان در کلامی جهاد را دری از درهای بهشت می‌دانند و عاقبت ترک جهاد را ذلت و مصیبت دانسته‌اند:

«إن الجهاد باب من أبواب الجنة فتحه الله لخاصة أوليائه و هو لباس التقوى و درع الله الحصينة و جنته الوثيقة فمن تركه رغبة عنه ألبسه الله ثوب الذل و شمله البلاء و ديث بالصغار و القماءة و ضرب على قلبه بالإسهاب و أدیل الحق منه بتضييع الجهاد و سيم الخسف و منع النصف.» (شريف رضى، ۱۴۱۴: ۶۹)

«جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند، و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است.»

همچنین امام علی علیه السلام در نکوهش فرار از جهاد می‌فرمایند:

«و ایم الله لئن فررتم من سيف العاجلة لا تسلموا [تسلمون] من سيف الآخرة و أنتم لهاميم العرب و السنم الأعظم إن فی الفرار موجدة الله و الذل اللازم و العار الباقي و إن الفار لغیر مزید فی عمره و لا محجوز بینه و بین یومه» (شريف رضى، ۱۴۱۴: ۱۸۱)

«به خدا سوگند! اگر از شمشیر دنیا فرار کنید از شمشیر آخرت سالم نمی‌مانید، شما بزرگان عرب و شرافتمندان برجسته‌اید، در فرار از جنگ، خشم و غضب

۱. إن تَجْتَبِئُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَرْنَا عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا (نساء/۳۱)

الهی و ذلت همیشگی و ننگ جاویدان قرار دارد، فرار کننده بر عمر خود نمی‌افزاید و بین خود و روز مرگش مانعی ایجاد نخواهد کرد.»

ایشان هلاکت را از آن کسی دانسته‌اند که در جنگ سستی کند و به جنگ ادامه ندهد و راه نجات را مخصوص کسانی دانسته‌اند که خود را به میدان جهاد افکنده و به مبارزه ادامه دهند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۰۴/۷)

۹) ممنوعیت جنگ با غیر جنگ‌جویان

در جنگ‌ها خصوصاً جنگ‌هایی که به شهرها کشیده می‌شود، صدمات فراوانی متوجه غیر جنگ‌جویان و افراد ناتوان از دفاع مانند کودکان، زنان و پیران است. در سیره اهل بیت علیهم‌السلام این افراد هر چند وابسته به دشمن و از اتباع او باشند دارای مصونیت هستند. (رک: حر عاملی، ۱۴۲۵: ۶۴/۱۵) پیامبر (ص) هرگاه گروهی را به جنگ اعزام می‌نمود آن‌ها را از کشتن پیران، کودکان و زنان نهی می‌کردند. (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۳۵۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۱۴۲) مگر آن که ایشان نیز در جنگ علیه مسلمانان شرکت داشته باشند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۲۸) بعد از جنگ حنین پیامبر (ص) در میان کشتگان زنی را دید مسلمانان در کنار پیکر او جمع شده بودند. پرسیدند چه کسی او را کشته است؟ گفتند: خالد بن ولید. فرمود: به او بگوئید پیامبر تو را از کشتن کودکان، زنان و بردگان نهی می‌کند. (ابن هشام، بی تا، ۲/۴۵۷)

امام علی علیه‌السلام در توصیه به فرماندهان نظامی خود آن‌ها را از جنگ با غیر جنگ‌جویان منع کردند: «لا تقاتل إلا من قاتلك». (منقری، ۱۴۰۴: ۱۴۸) ایشان در سفارش به لشکریان خود در جنگ صفین پس از این که سفارش نمود آغازگر جنگ نباشید، فرمود:

«فلا تهتكوا سترا ولا تدخلوا دارا إلا بإذنی و لا تأخذوا شیئا من أموالهم إلا ما وجدتم فی عسكرهم و لا تهيجوا امرأة بأذى و إن شتمن أعراضكم و تناولن أمراءكم و صلحاءكم... و لقد كنا و إنا لنؤمر بالكف عنهن و إنهن لمشركات.»

(منقری، ۱۴۰۴: ۲۰۴)

«هیچ برده‌ای را مدیریت و جز به فرمان من در خانه‌ای وارد نشوید و چیزی از اموال ایشان را جز آن چه در لشکرگاه باشد برنگیرید. زنان را با آزار دادن تحریک

تکنید هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران و نیکان شما را دشنام دهند... ما مأمور بودیم آن زمان که آنان زنان مشرکی بودند نیز از آزار رساندن به ایشان خودداری کنیم.»

۱۰ ممنوعیت کشتار جمعی

طبق نقل امام علی علیه السلام، رسول الله (ص) از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی کرده‌اند:

«قال أمير المؤمنين عليه السلام نهی رسول الله ص أن يلقى السم في بلاد المشركين.»

(حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶۲/۱۵)

«امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند رسول خدا (ص) از قرار دادن سم در سرزمین

مشرکین نهی کردند.»

شیخ طوسی دلیل این نهی را کشته شدن کسانی مانند کودکان و زنان دانسته که کشتار آن‌ها جایز نیست. (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۱۳) بنابراین قیاس، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را که توسط آن غیر جنگ‌جویان کشته می‌شوند، می‌توان از این سیره نتیجه گرفت.

۱۱ منع تعقیب کردن فراریان و کشتن مجروحان

امام علی علیه السلام در توصیه به فرماندهان نظامی خود آن‌ها را از دنبال کردن فراریان از جبهه دشمن و کشتن مجروحان ایشان پرهیز داده‌اند:

«فإذا كانت الهزيمة بإذن الله فلا تقتلوا مدبراً ولا تصيبوا معوراً ولا تجهزوا على

جريح.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۷۳)

«اگر دشمن به اذن خدا شکست خورد، آن کس را که پشت کرده نکشید، و آن

را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید، و مجروحان را به قتل نرسانید.»

ایشان برای به حداقل رساندن تلفات دشمن و به منظور این‌که سربازانی از دشمن فرار کرده‌اند بتوانند از تاریکی شب استفاده کرده و خود را نجات دهند، جنگ را به ساعات پایانی روز موکول می‌کردند. (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۶۰۳/۲)

۱۲) ممنوعیت آسیب زدن به درختان و حیوانات (محیط زیست)

در روایات فراوانی از قطع کردن درختان و نابود کردن مزارع نهی شده است. در روایتی امام صادق علیه السلام قطع کردن درختان را باعث نزول عذاب الهی دانسته‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۴/۵) قطع درختان و آسیب زدن به مزارع و حیوانات حتی در زمان جنگ نیز مجاز دانسته نشده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام رسول الله (ص) نظامیان را از آتش زدن و قطع درختان و از بین بردن مزارع و کشتن حیوانات نهی کردند:

«عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن النبي ص كان إذا بعث أميراً له على سرية أمره بتقوى الله عز وجل في خاصة نفسه ثم في أصحابه عامة ثم يقول اغزوا بسم الله وفي سبيل الله... ولا تحرقوا النخل ولا تغرقوه بالماء ولا تقطعوا شجرة مثمرة ولا تحرقوا زرعاً لأنكم لا تدرّون لعلكم تحتاجون إليه ولا تعفروا من البهائم مما يؤكل لحمه إلا ما لا بد لكم من أكله.» (مجلسی، ۱۹۱۴۰۳/ ۱۷۹)

«امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که پیامبر (ص) شخصی را فرمانده گروه جنگی قرار می‌دادند، او را به تقوای الهی در مورد خودش و یارانش سفارش می‌کردند و می‌فرمودند به نام خدا و در راه او رهسپار جنگ شوید... و درختان خرما را به آتش نکشید و آن‌ها را در آب غرق نکنید و درختان متمر را قطع نکنید و زراعتی را نسوزانید شاید که به آن احتیاج یابید، چهارپایان حلال گوشت را جزء آنچه ناچار از خوردن آن هستید نکشید.»

در سیره اهل بیت علیهم السلام حتی حقوق حیوانات نیز محترم شمرده می‌شود و از آزار رساندن به آن‌ها نهی شده است. طبق نقل واقدی در کتاب مغازی، سپاهیان اسلام در مسیر فتح مکه در موضعی به نام طلب، به ماده سگی بر می‌خورند که به توله‌هایش شیر می‌داد. سگ با دیدن سپاهیان دچار ترس شده و شروع به زوزه کشیدن می‌کند. پیامبر (ص) یکی از اصحاب را مامور می‌کنند تا به نگهبانی از سگ پردازد تا کسی از سپاهیان متعرض او و توله‌هایش نشود. (واقدی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۰۴)

۱۳) حفظ عمران و آبادی‌ها

ابن ابی الحدید با نقل گزارشی از واقدی توصیه‌های رسول الله ص را، در حالی که سربازان

را برای جنگ موته هنگام خروج از شهر مشایعت می کردند، آورده که در ضمن آن ایشان سربازان را از تخریب ابنیه نهی کرده‌اند:

«خرج النبي ص مشيعا لأهل مؤتة حتى بلغ ثنية الوداع فوقف و وقفوا حوله فقال

اغزوا بسم الله... و لا تهدمن بناء.» (ابن أبي الحديد، ۱۴۰۴: ۶۵/۱۵)

«پیامبر(ص) جهت بدرقه سپاهیان موته خارج شدند تا به «ثنية الوداع» رسیدند.

ایشان توقف کردند و سپاهیان نیز از حرکت باز ایستادند. پس فرمودند: به نام

خدا رهسپار جنگ شوید... و هیچ بنایی را نابود نکنید.»

۱۴) لزوم رفتار نیک با اسیران

اگرچه به اسارت گرفتن نیروهای دشمن در جنگ امری طبیعی بوده و در سیره معصومان علیهم السلام نیز دیده می‌شود، اما بر اساس آموزه‌های اسلامی نباید نسبت به اسیران با خشونت رفتار شود. در سیره امیرمؤمنان علیه السلام درباره حسن رفتار با اسرا و پرهیز از خشونت توصیه‌های متعدد و مؤکدی دیده می‌شود که بیان‌گر رعایت مسائل اسلامی و انسانی درباره اسیران جنگی است. امیرالمؤمنین علیه السلام خوش رفتاری با اسیر را از حقوق اسیر شمرده و انجام آن را واجب می‌دانند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹۲/۱۵) امام سجاد علیه السلام در حالی که خود در حکومت امویان در شرایط بسیار سختی تحت اسارت قرار داشتند، در مورد اسیری که مورد جراحت قرار گرفته، می‌فرمایند:

«عن علي بن الحسين علیه السلام قال: إذا أخذت أسيرا فعجز عن المشي و ليس معك

محمل فأرسله و لا تقتله.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵/۵)

«هنگامی که اسیری گرفتی و او را با خود می‌آوری اگر از راه رفتن ناتوان شد و

مرکبی برای حمل او نداری او را رها کن، و به قتل مرسان.»

در سیره اهل بیت علیهم السلام به شدت از شکنجه و آزار اسیران نهی شده است. بر اساس سیره ایشان حتی اگر اسیری محکوم به اعدام باشد نمی‌توان با او بد رفتاری کرد بلکه باید رفتاری همراه با ملامت و احسان انجام داد. امام صادق علیه السلام غذا دادن به اسیران را وظیفه کسانی دانسته‌اند که ایشان را به اسارت در آورده‌اند:

«عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إطعام الأسير حق على من أسره و إن كان يراد من الغد قتله فإنه ينبغي أن يطعم و يسقى و يظل و يرفق به كافرًا كان أو غيره.»
(مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸/۳۶۴)

«طعام دادن به اسیر، حقی است که بر عهده کسی است که او را به اسارت گرفته است گرچه قرار باشد فردا کشته شود. شایسته آن است که با اسیر جنگی با ملایمت رفتار شود؛ به آنان آب و غذا بدهند و در سایه نگهداری کنند، خواه مسلمان باشند یا کافر.»

در سیره امام علی عليه السلام می‌خوانیم که ایشان با اسراء به نیکی رفتار می‌کردند و اسیرانی را که مرتکب قتل نشده و به دشمنی باز نمی‌گشتند آزاد می‌کردند؛ در جنگ جمل سعید و ابان دو پسر عثمان اسیر شده و نزد ایشان آورده می‌شوند. یکی از افراد پیشنهاد قتل آن دو را مطرح کرد. امام علی عليه السلام فرمودند: «سخن بسیار بدی گفتم!» سپس به آن دو فرمود: «از گمراهی خود برگردید و دست بردارید و هر کجا که می‌خواهید، بروید و اگر دوست دارید نزد من بمانید تا با شما صلح کنم». آن دو گفتند: «یا امیرمؤمنان ما بیعت می‌کنیم و باز می‌گردیم.» سپس بیعت کرده و رفتند. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۲) ایشان بعد از ضربت خوردن درباره ابن ملجم که به اسارت در آمده بود سفارش کردند که با او به خوبی رفتار کنید. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۳۱۲) غذای پاکیزه به او بدهید و بسترش را نرم قرار دهید. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۲۵۶) طبری در کتاب تاریخ خویش گزارشی را نقل می‌کند که در آن مسلمانان به توصیه پیامبر (ص) بهترین غذاها را از خود دریغ کرده و در اختیار اسیران جنگ بدر که از کافران بودند قرار می‌دادند. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۴۶۱) ابوالعاص بن ربیع از اسرای جنگ بدر درباره رفتار مسلمانان می‌گوید: «گاه در دست بعضی فقط یک قطعه کوچک نان بود و همان را هم به من می‌دادند.» ولید بن مغیره هم افزوده: «انصار ما را سوار می‌کردند و خود پیاده می‌رفتند.» (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۱۱۹)

نتایج

پیامبر (ص) هدف از بعثت خود را به کمال رساندن مکارم اخلاقی دانسته‌اند. در تعالیم اسلام رعایت اصول اخلاقی در تمام شئون مورد تاکید قرار گرفته است. قرآن کریم در صحنه جهاد

که محل رویارویی با دشمن است، مجاهدان را به پیروی از اصول اخلاقی امر می‌کند و تجاوز از حدود اخلاقی را جایز نمی‌داند. بر این اساس قرائتی از دین که مستمسک گروه‌های سلفی در جهان اسلام قرار گرفته است که بر اساس آن هیچ یک از اصول اخلاقی در مواجهه با دشمن رعایت نمی‌شود، متفاوت با چهره حقیقی دین اسلام است.

بررسی سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز اهتمام بر رعایت اصول اخلاقی در برابر دشمن را نشان می‌دهد. بر اساس این بررسی جنگ در شرایطی که اجتناب از آن ممکن نباشد و ضمن رعایت همه جانبه اخلاق و جوان مردی در صحنه نبرد، مجاز شمرده می‌شود. رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از پیمان شکنی در قبال دشمن، پرهیز از آغاز کردن جنگ، عدم تعرض به غیر جنگ جویان و اموال ایشان، دعا و خیرخواهی برای دشمن، پرهیز از دشنام دادن به دشمن، نکوهیده بودن فرار از مقابل دشمن، دفاع از هم‌زمان، ممنوعیت آسیب زدن به درختان و حیوانات، حفظ عمران و آبادی‌ها، رفتار نیکو با اسیران و مجروحان جنگی و عدم تعقیب فراریان نیز در سیره امام علی علیه السلام از اصول اخلاقی در جهاد شمرده می‌شود.

منابع

- قرآن كريم

- امام زين العابدين عليه السلام، ١٣٧٥ ش، الصحيفة السجادية، تهران، سروش
- ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، ١٤٠٤ ق، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي
- ابن أبي زينب، محمد بن ابراهيم، ١٣٩٧ ق، الغيبة (للنعماني)، تهران، نشر صدوق.
- ابن بابويه، محمد بن علي، ١٣٨٥ ق، علل الشرائع، قم، كتاب فروشي داوري
- ابن شهر آشوب، محمد بن علي، ١٣٧٩ ق، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، قم، علامه
- ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٤١٤ ق، لسان العرب، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ابن هشام، عبد الملك بن هشام، بي تا، السيرة النبوية، بيروت، دار المعرفة
- الصالحى الشامى، محمد بن يوسف، ١٤١٤ ق، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، بيروت، دار الكتب العلمية
- برقى، احمد بن محمد، ١٣٧١ ق، المحاسن، قم، دار الكتب الإسلامية
- بستانى، فواد افرام، ١٣٧٥ ش، فرهنگ ابجدى، تهران، انتشارات اسلامى
- بلاذرى، احمد بن يحيى، ٤١٧ ق، انساب الاشراف، بيروت، دار الفكر
- تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، ١٤١٠ ق، غرر الحكم و درر الكلم، قم، دار الكتاب الإسلامى
- ثقفى، ابراهيم بن محمد، ١٣٩٥ ق، الغارات، تهران، انجمن آثار ملي
- حر عاملى، محمد بن حسن، ١٤٠٩ ق، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- دهخدا، على اكبر، بينا، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران
- شريف رضى، محمد بن حسين، ١٤١٤ ق، نهج البلاغه، قم، هجرت
- شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ١٤١٣ ق، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره شيخ مفيد.
- طبرسى، فضل بن حسن، ١٣٩٠ ق، إعلام الورى بأعلام الهدى، تهران، اسلاميه
- طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، ١٣٧٨ ق، تاريخ الأمم و الملوك، بيروت، دار التراث

- طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ق، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، قم، مکتبه جامع جهلستون
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه
- علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۹۸۲م، نهج الحقّ و كشف الصدق، بیروت، دار الکتب اللبنانی
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- ۱۴۰۴ق، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامیه
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الجمل و النصره لسید العترة فی حرب البصرة، قم، کنگره شیخ مفید
- منقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق، وقعة صفین، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، المغازی، بیروت، الاعلمی